



این شماره تقدیم می‌شود به
شهید آیت الله
سید حسن نصرالله

ویژه نامه جنگ رمضان | شماره ۱۸
 سه‌شنبه ۴ فروردین ۱۴۰۵

جبهه
 انرژی

کاری از اندیشکده نفت و انرژی
 و گروه تحلیلی پتروپال



آینده تنگه هرمز و قواعد نوین عبور انرژی

سرمقاله



♦ | تنگه هرمز در هفته‌های اخیر از یک گذرگاه صرفاً دریایی به «محور تعیین‌کننده آینده امنیت انرژی جهان» بدل شده است. بخش قابل توجهی از نفت و گاز مایع جهان از این مسیر عبور می‌کند و هرگونه تغییر در وضعیت امنیتی یا حقوقی آن می‌تواند قواعد بازی در بازار انرژی و در نتیجه اقتصاد جهانی را دگرگون کند.

بر پایه تحلیل‌ها، آینده هرمز نه موضوعی صرفاً حقوقی یا نظامی، بلکه مسئله‌ای است که در عامل توازن عرضه و تقاضای جهانی است. نکته کلیدی اینجاست که آینده تنگه هرمز تابع نتایج جنگ جاری و توازن قوای پس از آن است. به بیان دیگر، توافق یا قراردادی که در پایان بحران کنونی شکل بگیرد، چارچوب اعمال حاکمیت بر تنگه و شیوه عبور کشتی‌ها را بازتعریف خواهد کرد. در نتیجه، قوانین عبور از این گذرگاه حیاتی حتماً تغییر خواهند کرد؛ تغییری که نه تنها بر مناسبات منطقه‌ای، بلکه بر خلاف نظم سابق،

بر عدم حضور و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای در تأمین امنیت آن نیز اثرگذار خواهد بود. با توجه به تحولات اخیر و اعمال قدرت مؤثر ایران بر تنگه و ناتوانی طرف مقابل در کنترل شرایط، می‌توان گفت آینده هرمز بر دو محور اصلی استوار است:

توان ایران برای ادامه کنترل بر تنگه و اختلال در عبور و مرور کشتی‌ها از طریق مین‌ریزی، حملات پهپادی یا حتی انسداد کامل، که می‌تواند به سرعت به بحرانی در سطح انرژی جهانی منجر شود. در صورت وقوع چنین وضعی، بازگرداندن اوضاع به وضعیت پیش از بحران، فرآیندی طولانی و پرهزینه خواهد بود و بخش عظیمی از منابع انرژی جهان برای مدتی از دسترس خارج می‌شود، بدون آنکه جایگزینی واقعی برای آن وجود داشته باشد.

ظرفیت سایر بازیگران برای مدیریت تبعات این اختلال از جمله تنوع بخشی به مسیرهای صادراتی، افزایش ذخایر استراتژیک و توسعه

زیرساخت‌های جایگزین. این اقدامات می‌توانند شوک اولیه بحران را تا حدی مهار کنند، اما اصل بحران را از میان نخواهند برد. از دید تحلیلگران، هرچه هزینه و ریسک مداخله نظامی بیشتر برآورد شود، احتمال گرایش به سمت راه‌حل‌های حقوقی و قراردادی افزایش می‌یابد.

در نتیجه، پیروز واقعی این رقابت، کشوری است که بر هرمز تسلط دارد. در معنای انرژی محور، این گزاره به آن معناست که بازیگری که بتواند قواعد عبور، سطح ریسک و دامنه تهدید یا امنیت در این گذرگاه را تعیین کند، تأثیر مهمی بر شکل‌دهی قیمت‌ها، الگوهای بیمه دریایی و حتی ساختار تحریم‌ها خواهد داشت. مانند نقشی که ایران در مدیریت تنگه هرمز ایفا می‌کند.

بنابراین، تنگه هرمز صرفاً مسیر عبور نفت نیست، بلکه به ابزاری برای تنظیم فشار و اطمینان در بازار جهانی انرژی تبدیل می‌شود؛ روندی که اقدامات اخیر ایران نشانه‌های آن را آشکار ساخته است. نتیجه محتمل این روند، حرکت به سمت نظام

تازه‌ای از قواعد عبور در تنگه هرمز است؛ نظامی که در آن موارد زیر برجسته‌تر خواهند بود:

تأکید بیشتر بر هماهنگی‌های امنیتی منطقه‌ای بدون حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛

شروط سخت‌گیرانه‌تر برای تردد کشتی‌های نظامی و حامل محموله‌های حساس؛

نقش تعیین‌کننده‌تر ایران در تعیین سطح هشدار، بازرسی و همراهی کشتی‌ها؛

بازتاب مستقیم هرسطح از تنش در این قواعد، در بازار جهانی انرژی و قراردادهای بلندمدت فروش.

بدین ترتیب، آینده تنگه هرمز را می‌توان آینده‌ای دانست که در آن هرگونه تغییر در موازنه قدرت و نتیجه جنگ جاری، نه فقط نقشه سیاسی منطقه بلکه نقشه گردش انرژی جهان را نیز بازطراحی خواهد کرد.

به همین دلیل، سرمایه‌گذاران، شرکت‌های نفتی و سیاست‌گذاران انرژی ناچار خواهند بود سناریوهای خود را با اتکا به قواعد تازه این گلوگاه حیاتی بازنویسی کنند. ♦

درس‌هایی از تاریخ انرژی

بخش اول

نبرد

در شریان‌های سیاه؛ درس‌های ژئوپلیتیک و انرژی از جنگ نفت‌کش‌ها

رصد انرژی منطقه

قطر؛ تمرکز زیرساخت‌های انرژی در قطب صنعتی رأس لفان

با این حال، بخش عمده این زیرساخت‌های مدرن در منطقه صنعتی «رأس لفان» متمرکز شده‌اند. این تمرکز گسترده، اگرچه مزیت‌های لجستیکی و عملیاتی قابل توجهی ایجاد کرده است، اما در شرایط تنش‌های منطقه‌ای می‌تواند به یک نقطه آسیب‌پذیر تبدیل شود و بخش مهمی از شریان صادرات انرژی و اقتصاد قطر را در معرض ریسک قرار دهد.

در کنار صادرات گاز، قطر سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در حوزه فرآوری مایعات گازی انجام داده است. مجتمع‌های تبدیل گاز به مایع (GTL) مانند «پیرل» و «اریکس» با تبدیل گاز طبیعی به فرآورده‌هایی نظیر نفتا و دیزل، ارزش افزوده قابل توجهی برای اقتصاد این کشور ایجاد کرده‌اند. همچنین سه پالایشگاه نفت با مجموع ظرفیتی حدود ۴۲۹ هزار بشکه در روز، ظرفیت پالایشی فراتر از نیاز داخلی را فراهم کرده و جایگاه قطر را در صادرات فرآورده‌های نفتی در منطقه تقویت کرده است.

قطر با تکیه بر میدان عظیم گنبد شمالی، که بخش مشترک آن با ایران به نام پارس جنوبی شناخته می‌شود، راهبرد انرژی خود را بر توسعه زنجیره گاز طبیعی و صادرات LNG بنا کرده است. ایجاد مجتمع‌های بزرگ مایع‌سازی گاز در قالب تأسیسات «قطر گاز» و «رأس گاز» با ظرفیتی در حدود ۱۰۵ میلیارد مترمکعب در سال، این کشور را به یکی از بازیگران اصلی بازار جهانی گاز طبیعی تبدیل کرده و نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی بسیاری از اقتصادهای جهان ایفا می‌کند.